

دکتر مهدی غروی

- ۳۷ -

جهانگیر در سال ۱۰۱۴ (۱۶۰۵) به تخت نشست در همین سال فرخ بیگ را به ریاست نقاشخانه رساند و وی بایستی تا سال مرگ یا از کار افتادگی در ریاست بوده باشد. با احتمال قوی فرخ بیگ در سال ۱۰۲۰ (۱۶۱۱) فوت کرده است و بطور قطع می توان گفت که در سال ۱۰۲۵ (۱۶۱۵) دیگر زنده نبوده است. در توزوگ جهانگیری می خوانیم که این هنرمند نامدار در سال ۱۰۲۰ (۱۶۰۹) که سال عروسی شاهجهان بود حیات داشته و مفتخر به اخذ یک منصب جدید دو هزار روپیه شده است و جهانگیر بوی لقب «نقاشی» که در همه اعصار نظیر نداشته» داده بوده است.

در موزه جنوب کنزینگتن در لندن یک نقاشی از چهره ای روحانی موجود است که در زیر آن نوشته شده عمل فرخ بیگ در سن هفتاد سالگی، در تمام آثار این هنرمند نفوذ سبک ایرانی - هندی اصیل نمودار است در مرقع شاهجهان که در همین موزه است سه نقاشی شماره های ۱ و ۳ و ۴ متعلق به این استاد است که شماره ۳ و ۴ دارای امضاء است و درین

آلبوم یک سیاه قلم نیز دارد، در مجموعه چستریتی^۱ یک و در مرقعی که به گورگیان تعلق دارد دو اثر از فرخ بیگ هست که در یکی ازین نقاشیها شاه طهماسب نشست است و مطلبی را بیکي از منشیان درباری دیکته می کند تاریخ این نقاشی (۱۰۲۰) ۱۶۱۱ است.^۲ در دو مرقع اردشیر جمعاً چهار اثر از فرخ بیگ وجود دارد سه تا در مرقع شاهجهان و یکی که سیاه قلم است در مرقع جهانگیر.^۳

- ۳۸ -

هنرمند ایرانی دیگر محمد نادر سمرقندی است که با استعداد خارق العاده ای که داشت پس از ورود به هند بدستور جهانگیر وارد مکتب هنری وی گردید اما تاریخ ورود و الحاق وی به گروه نقاشان عهد جهانگیر معلوم نیست زیرا از وی آثار کمی برجای مانده است که بیشتر آن نیز متعلق به مکتب شاهجهان است. در همه مرقع های مذکور در قمره ۳۲ این گفتار هم اثر مستقلی از وی نیست جز یک نقاشی که در مرقع جهانگیر اردشیر هست و این تصویری است از یک روحانی و شاگردش با طرح و رنگ آمیزی بسیار عالی در سبکی

کاملاً ایرانی، ازین که بگذریم همه آثار وی و همه شبیه هائی که وی ساخته است بسبک هند و ایرانی (بابری) است که بدون شک پس از وصول و اقامت در هند ترسیم شده اند. این تصویر که امروز در دست ماست ثابت می کند که این نقاش در جوانی پیش از ورود بهند چه استاد ماهری بوده است و در شبیه سازی و پرتره کشی چه استعداد و نبوغی داشته است، اثرات سبک و روش کار وی را در آثار نقاشان دیگر هندی بابری عصر جهانگیر و شاهجهان بخوبی می توان مشخص ساخت. مهمترین اثر وی عبارتست از یک گروه هشت تائی که در موزه بریتانیا در جزو یک دسته از آثار هنری این عصر نگهداری می شود اینهارا در سال ۱۶۶۲ به موزه اهدا کرده اند. یکی از بهترین و جالبترین کارهای محمد نادر شبیهی است که وی از شیر محمد کشیده و در بالای آن دو چهره جهانگیر و شاه جهان را هم ترسیم کرده است منتها با مقیاسی کوچکتر^۴ در باره تاریخچه آن چیزی نمی دانیم و حتی شیر محمدا را نمیشناسیم اما مطلب جالب درین مورد این است که این نوع کار یعنی کشیدن صورت و برخی قسمتهای بدن با رنگ آمیزی کامل در میان یک رشته طراحی بایک رنگ کاری بود که در عصر شاهجهان معمول گردید و چون تاریخ این نقاشی را ۱۰۲۴ (۱۶۱۵) تعیین کرده اند باید گفت که محمد نادر نخستین

۱ - نگاه کنید به کاتالک Library of Chesterbeatty جلد سوم شماره ۶۴.
۲ - آن دو نقاشی که متعلق است به گورگیان در حراج سال ۱۹۲۹ سوت پای لندن خریداری شده یکی از آنها تصویر بسیار خوبی است از شاه طهماسب کار فرخ بیگ و تاریخ اجرای آن ۱۰۲۰ - ۱۶۱۱ است و نه بیت شعر نیز در دور آن به خط نستعلیق نوشته شده نگاه کنید به :
Catalogue of Valuable Oriental MSS & Miniatures Comprising a Series of very Important Indian Drawings of the Court Painters of the great Moghal Emperors.
لندن ۱۹۲۹ شماره ۱۱۶.



تاریخ سفیران در انگلستان و در انگلستان در زمان شاه عباس اول در سال ۱۶۰۲

اثری از علیقلی جبه‌دار که در سال ۱۰۸۵ اجرا شده و نمایشگر نفوذ نقاشی فرنگی در سبک تصویرنگاری ایران و هند است، درین تصاویر فقط در چهره و لباس خانمها برخی اثرات نقاشی بومی نمایان است، آنرا با نقاشی دیگر کار محمدزمان مقایسه می‌کنیم که بسال ۱۰۸۷ در هند اجرا شده و جز درخت کهنسال همه چیزش اروپائی است. این دواثر به مرقعی تعلق دارند که در آکادمی علوم شوروی در لنینگراد نگهداری می‌شود و در نیمه قرن هجدهم در ایران درست شده است.

کس بود که در هند این شیوه را ابتکار کرد و یا رواج داد و البته نمیتوان گفت که کار ناقص مانده است زیرا امضای معمولی هنرمند «عمل محمد نادر سمرقندی» را در پای صفحه می توان خواند.

— ۳۹ —

هنرمند دیگری که از سمرقند رسید محمد مراد سمرقندی است که ناهش بخصوص از لحاظ رسم و نقش شکل حیوانات معروف است یکی از نقاشیهای وی طرحی است از چهارغزال بسیار قلم که فقط امضای (مراد) را دارد در آلبوم جهانگیر اردشیر نقش فیلی با فیلسوار موجود است که جنه فیلی مرکب شده است از اشکال کوچک انسان و مرغان بسبک کاملاً ایرانی که حتی رنگ آمیزی نیز هندی نیست و ایرانی است. بعدها از این نوع کار بتقلید از محمد مراد در هند بسیار ساخته شد، با امضای کامل وی محمد مراد سمرقندی فقط یک اثر مهم در دست است که آنهم شبیه همان کاری است که معرفی شد.^۷

— ۴۰ —

بدون شك پس از فوت فرخ بیگ ریاست گروه و اداره مکتب جهانگیری بر عهده ابوالحسن هنرمند مطلوب و محبوب جهانگیر محول گردید وی تا عصر شاه جهان با عنوان بهترین نقاش عصر در این سمت باقی ماند. آقا رضا پدر ابوالحسن در دستگاه جهانگیر اگر تالی فرخ بیگ نبود پس از وی دومین نقاش هنرمند دربار محسوب می گردید. تصور می شود که آقا رضا در ۱۰۲۱ (۱۶۱۲) مرده باشد، بهرحال جهانگیر از این نوجوان که در قصر سلطنتی تولد یافت مانند فرزند خویش توجه می کرد و وی را شدیداً تحت تعلیم و تادیب قرار داد در توزوک برای نخستین بار در وقایع سال ۱۰۲۲ (۱۶۱۳) از وی نام برده می شود.

جهانگیر در سال دوازدهم سلطنت خود ۱۰۲۶ (۱۶۱۷) فرمان داد که نسخه ای محصور از جهانگیر نامه تهیه کنند در این سال ابوالحسن که به نادر الزمان ملقب شده بود نقش نخست این نسخه را که مراسم تخت نشینی پادشاه بود کشید که یکی از بزرگترین شاهکارهای نقاشی روی زمین است. جهانگیر در سراسر اعصار در کتاب خود او را بر پدرش برتری داده و حتی برای وی هر گر نظیر و تالی نمیشناسد. از نخستین کارهای وی بسبک هند و ایرانی که تحت رهبری و استادی پدرش انجام شد یکی از مینیاتورهای انوار سهیلی است که نه تنها از هفت کار پدرش در همین نسخه بهتر است بلکه بر کلیه مینیاتورهای این کتاب برتری دارد.

یکی دیگر از کارهای وی تصویر یک گاری گاوی است که در نوع خود

۳- درباره این چهارنثر نگاه کنید به کاتالک های منتشره از طرف مؤسسه Souby & Co.

لندن در سال ۱۹۷۳ شماره ۱ مارچ ۷۳ شماره ۲ جولائی ۷۳ تحت عنوان: Catalogue of Important Oriental Miniatures.

در کاتالک شماره ۱ تصویر شماره ۴ نقش پیرمردی است که ایستاده و در اطراف آن اشعار ترکی نوشته شده و در تاریخ ۱۰۳۵ (۱۶۲۵) شاه جهان بخط خود نوشته است شبیه و عمل فرخ بیگ و این تنها نقاش این دوران است که از وی تصویری چنین مطلوب برجای مانده است. گراور شماره ۴ تصویر شاهزاده ای است که آن نیز به فرخ بیگ منسوب است. گراور شماره ۸ سوارکاری را نشان می دهد که شیری را می کشد در حالیکه دوستش خوابیده است تاریخ اجرا حدود سال ۱۰۰۹ (۱۶۰۰) است.

در خمسه نظامی اردشیر که در حراج دوم فروخته شد آثاری از فرخ بیگ وجود داشت. برای بررسی بیشتر نگاه کنید به:

The Library of Chester Beatty
A Catalogue of the Indian Miniatures.
London 1958.

و کتاب پرسی براون شماره های ۶۸ و ۲۴ و مجله: Art Oriental II 1957.

و نیز:

The Moghal Artist, R. Skelton.
F.R. Martin: Miniature Paintings and Painters of Persia, India & Turkey. London 1912.

شماره های ۸۴ و ۱۷۵.

در مرقع گلشن تهران دوائر از فرخ بیگ هست نخست تصویر یک شاهزاده نوجوان که با احتمال قوی شاهزاده پرویز فرزند جهانگیر است، زیرا این شاهزاده در تاریخ اجرای تصویر دوازده ساله بوده است، در گوشه بالای تصویر با خط درشت عمل فرخ بیگ دوره جهانگیر اکبر شاه ۱۰۱۰ خوانده می شود.

در اینجا شاهزاده مرغ سفیدی را در دست دارد. تصویر شماره ۷۸ آثار ایران ۱۹۳۷ ص ۲۱۳. تصویر دیگر شاهزاده ای را نشان می دهد که بیگ دست طوطی و به دست دیگر یک عدد انبه با شاخه گرفته است باینکه زیر آن نوشته شده عمل فرخ بیگ مشکوک بنظر می رسد تصویر شماره ۹۵ آثار ایران سال ۱۹۳۷ ص ۲۴۳.

تصویر دیگر از کتابخانه سلطنتی را یونسکو بچاپ رسانده که از همه این تصاویر زیادتیر است و شاید اصل نقاشی باشد که امضای آن در متن جای دارد. برای مشاهده تصاویر مشابه به کاتالک جستریبتی شماره ۶۴ و کاتالک مجموعه سرکاو سچی جهانگیر نگاه کنید که دومی را در این سلسله گفتارها گراور کرده ایم.

۴- این نقاشی را بارها گراور کرده اند از آنجمله است شماره ۲۵
Corut Painters of the Mughals
Binyon.

و شماره ۱۶

Indian Paintings Under the
Mughals. Brawn.

۵- این عقیده پرسی براون است.

۶- نگاه کنید به

La Miniature En Orient plate
137: Kuhncl.

۷- نگاه کنید به Martin: نقاشی مینیاتور و نقاشان ایران و هند و ترکیه شماره ۳۶۳. در مرقع گلشن دوائر از این نقاش هست که همه امضای مراد را دارد تصویرهای شماره ۱۰۳ و ۱۰۴ امضا بسیار کوچک است و بانو کنار در مقاله مشروح خود آنرا مراد یا مرار خوانده است. و همه این نقاشیها پرتره است.

بی‌نظیر است.^۸ ازین لحاظ که حد فاصلی است میان کارهای وی در دو اسلوب مختلف ایرانی و هند و ایرانی عصر مکتب جهانگیر. در کتاب پرسی براون یکی از آثار وی گراور شده است.^۹ با امضای خوانای وی، در مجموعه اردشیر نیز یک اثر شبیه و همانند آن وجود دارد باز مینه‌ای سبز بسیار پررنگ و امضای هنرمند (عمل نادر الزمان) تنها کسیکه از شاگردان این مکتب توانست با این اسلوب کاری را عرضه کند وی‌چی‌ترا نقاش هندی بود. دو اثر دیگر این هنرمند را می‌توان در برلین^{۱۰} و موزه لوور یاقت^{۱۱} در کتابخانه اداره هند یک تصویر فیل از وی هست^{۱۲} و در آلبوم شاه جهان متعلق به گورگیان سه نقاشی از مرغان هست که همه دارای امضای وی می‌باشد^{۱۳}؛ «نادر الزمان». تصویر دیگر تیراندازی جهانگیر است به کله یک سیاه پوست در حالیکه بروی یک کره ایستاده است امضای این تصویر هم (مریدزاده با اخلاص ابوالحسن) است.

۸ - درباره این کار ابوالحسن N. C. Mehta در اثر خود Studies in Indian Painting بتفصیل سخن می‌راند و آنرا تحت شماره ۲۷ گراور کرده است.

۹ - نگاه کنید به کتاب پرسی براون گراور شماره ۱۷.

۱۰ - نگاه کنید به ص ۳۷ :

Indian Book Painting, Kuhnel & Goetz

۱۱ - در موزه لوور آن تصویر معروف جهانگیر که خود تصویری از اکبر را در دست دارد حفظ می‌شود.

نگاه کنید به ص ۸۳ :

The Islamic Book, Arnold & Grohman.

۱۲ - در جلد هفدهم India Office Library ورق هفتم چاپ شده است.

۱۳ - این اثر را ابوالحسن در ۱۰۲۶ (۱۶۱۷) تهیه کرده است و آنرا کاسکتی در ص ۱۸۶ کتاب خود آورده و می‌نویسد که تحت شماره I.M. 14, 1925 متعلق بموزه ویکتوریا و آلبرت لندن است.

معلم و شاگرد، اثری از محمدنادر سمرقندی که پیش از ورود وی به هند، در ایران اجرا شده و به کارهای رضا عباسی شباهت دارد کارهای حاشیه از منصور نقاش دیگر عصر جهانگیر است که در کشیدن گل و مرغ استاد بود، این نقاشی جزو نقاشیهای مرقع جهانگیر اردشیر در سال ۱۹۷۳ در حراج لندن فروخته شد.

در مجموعه چستربیتی نیز تصویری مشابه به این نقش باهمان امضاء وجود دارد، در مرقع شاه جهان موزه جنوب کنزینگتن چهار نقاشی از وی هست که یکی از این چهار تصویری است از شاه جهان که امپراتور باخط خود در حاشیه آن نوشته است شباهت فراوان بایست و پنج سالگی من دارد عمل نادر الزمان است که خیلی خوب کشیده^{۱۳}. یکی از بهترین کارهای وی در مرقع شاه جهان اردشیر صحنه‌ای است در باغ شهر آرای کابل که شاه از پنجره تماشا می‌کند، این کار بسیار مفصل و دقیق است و جهانگیر ازین باغ و مراسم خاصی که در آن برپا می‌شد در کتاب یاد کرده است. (اردشیر از این نقاشی بسیار تمجید کرده و آنرا شاهکار استاد عصر دانسته است و خلق آنرا مرهون استادی ابوالحسن و تشویق امپراتوری می‌داند و این همان تصویری است که در سال ۱۹۷۳ در حراج لندن بقیمتی بسیار گراف فروخته شد بهائی که تا این تاریخ سابقه نداشته)^{۱۴}.

۱۴ - شماره ۶ از کاتالگ سوت‌بای لندن مورخ مارچ ۱۹۷۳ که درباره‌اش می‌نویسد: تصویری از جهانگیرنامه که شاه از پنجره دارد به درباریان نگاه می‌کند از نسخه مخصوص خود جهانگیر برخی از تصاویر این مجموعه در کتابخانه ریاست رامپور هست و چند عدد آن نیز در جزو مرقع گلشن تهران نگهداری می‌شود - نگاه کنید به: شماره ۵
J.V.S. Wilkinson, Mughal Painting Feb. 1948.

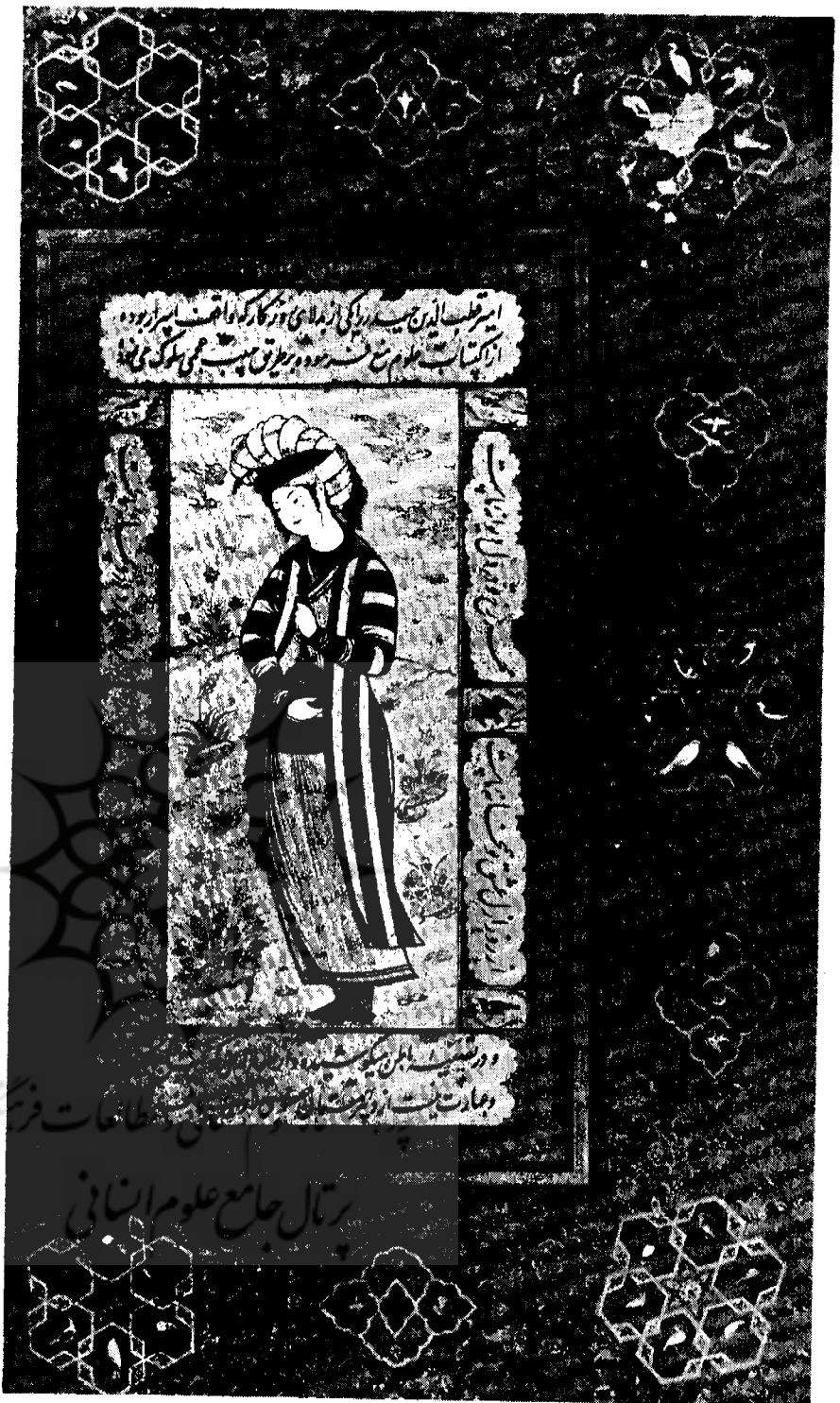
D.B. Barrett and B. Gray, Painting in India Skira 1963 p. 103.

نقاشی مورد بحث به‌بهای افسانه‌ای ۸۰ هزار پوند فروخته شد.

در مرقع گلشن ازین هنرمند چهار اثر هست شماره‌های ۲۳ و ۲۴ و ۲۶ و ۷۷.

شماره ۲۳ تصویر ۷۹ صحنه يك عروسی است، داماد مردی ریش‌سوت و هنرمند روی دامن یکی از بانوان امضا کرده است: عمل ابوالحسن. (مینیاتور شماره ۲۴ این مرقع نیز کپی‌ایست از همین صحنه عروسی).

بقیه حاشیه در صفحه بعد



یکی از نقاشیهای مرقع گلشن که در ایران توسط رضاعباسی کشیده شده و احتمالاً "امیر قطب‌الدین حیدر جد پادشاهان صفوی را نشان میدهد. نوشته‌ها را عبدالرحیم عنبرین قلم معروفترین خطاط عصر اکبر و جهانگیر نوشته است.



کتابخانه

من شنیدم

هنرمند دیگری که جهانگیر ویرا پس از ابوالحسن استاد بی نظیر می‌داند و نامش را بارها در توتوزوک خود آورده است استاد منصور است که درباره اش می‌نویسد: استاد منصور در نقاشی استاد شده و لقب نادر العصر گرفته است وی در مصوری در عصر خود بی نظیر است منصور در کار کشیدن نقش گلها استاد بود و منصور نقاش امضاء می‌کرد متأسفانه فقط يك اثر درین زمینه از وی بجا مانده است با اینکه جهانگیر پس از دیدن آن بوی دستور داد که در کشمیر بماند و با مشاهده اصل گلها که شکوفه‌های سرخ رنگ است هر چه می‌تواند از روی آن نقاشی کند^{۱۵} وی در صفحات بعد کتابش جهانگیر نامه می‌نویسد که وی صد نقاشی از روی گلها کشید. استاد منصور در کار کشیدن نقش مرغان نیز مهارت داشت و آثاری که از وی بدست ما رسیده از لحاظ خصوصیات و نحوه اجرا در سراسر جهان و اعصار بی نظیر است و هیچ نقاشی را با وی درین مورد نمی‌توان برابر دانست. وی کار نقاشی مرغان را در عصر اکبر آغاز کرد و ما امروز هشت نقاشی از وی در دست داریم که در کتاب بابرنامه نسخه موزه بریتانیا است. تصویری که وی در ۱۶۱۲ (۱۰۲۱) از يك بوقلمون

کشید که امروز در موزه ویکتوریا و آلبرت نگهداری می‌شود (I.M. 135, 1921) و کاسکنی در ص ۱۳۲ کتاب خود آنرا گراور کرده است. امضای هنرمند نیز در این نقاشی پائین صفحه گوشه چپ دیده می‌شود: عمل بنده درگاه منصور نادر العصر و با خط درشت‌تر در بالای آن جهانگیر شاهی.

دو نقاشی نیز در موزه کلکنه هست که یکی از آن دو آن تصویر يك بوقلمون است و دیگری از روی مرغی بنام جوزباز طراحی شده که جهانگیر در خاطرات سال نوزدهم سلطنت خود ۱۰۳۴ (۱۶۲۴) از آن یاد کرده و می‌نویسد که دستور دادم که استاد منصور نقاش سرآمد عهد ما از روی آن کشید. بدون شك تصویری که وی از يك باز شکاری کشیده است و اکنون در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن (۱۹۲۱)، (۱۳۷) حفظ می‌شود یکی از شاهکارهای مرغ‌کشی در تاریخ نقاشی مشرق است در این جا باز بروی شاخه درختی نشسته است که شبیه کارهای رضا عباسی است با حواشی متعددی که در نخستین حاشیه آن پنج سطر شعر نوشته است. این اثر را کاسکنی در ص ۶۲ کتاب خود گراور کرده است.

در موزه جنوب کنزینگتن نیز در آلبوم W.B. پنج اثر از وی هست که در مجموعه Indian Drawings بچاپ رسیده است. در همین مجموعه گراور شماره ۱۷ نیز تصویری است از وزیر خواجه کلان بیگ که کار استاد منصور است با اینکه کار وی نقاشی از چهره انسانها نبوده است. این استاد منصور هم مانند آقا رضا گاهی به خود لقب جهانگیر شاهی می‌داد (آقا



اکبر شاه نخستین پادشاه باری هند بود که فرمان داد مجموعه‌هایی از تصاویر درباریان تهیه کنند، در عصر جهانگیر این کار ادامه یافت و وی بشنداس را بایران فرستاد که تصاویری از شاه عباس بکشد و این نقاشیهای بشنداس بهترین نقاشی است که از آن پادشاه بزرگ بر جای مانده. تصویر بالا ورقی است از مرقع متعلق به آکادمی علوم شوروی در لنینگراد.

شماره ۲۶ تصویر ۸۱ چهره کرن پسرعمار سینگ حکمران موار است که در ۱۰۲۸ (۱۶۱۹) جانشین پدرش این نقاشی میان سالهای ۱۰۲۳ - ۱۰۲۹ (۱۶۱۴ - ۱۶۱۹) کشیده شده و روی زمین خیلی ریز نوشته شده است: عمل ابوالحسن. شماره ۷۷ تصویری است در يك گل‌زنبق

با امضای هنرمند. یکی از بهترین کارهای وی پرتراهی است از شاه جهان که روی تخت طاوس نشسته است این پرتراهی تعلق دارد به موزه متروپلیتن نیویورک در بالا و پائین این نقاشی سه بیت زیر نوشته شده است:

بماند سالها این نظم و ترتیب
که هستی را نمی‌بینم بقائی
غرض نقیصت کز ما باز ماند
ز ما هر ذره خاک افتد بجائی
مگر صاحب‌دلی روزی برحمت
کند در حق درویشان دعائی
در روی سقف تخت با قلم ریز نوشته شده:
حضرت شهاب‌الدین شاه جهان پادشاه غازی وزیر
سقف: تخت طاوس و در پشت شاه در حاشیه
نقاشی: عمل فدوی نادرالزمان.
نگاه کنید به کتاب شهرهای مغولی هند
گامبلی شماره ۴۸.

در مرقمی که به استبتیوی مردم آسیا، آکادمی علوم شوروی شعبه لنینگراد تعلق دارد و اخیراً بصورت مجموعه‌ای از تصاویر چاپ و منتشر شده است شش اثر از ابوالحسن بشماره‌های ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴ وجود دارد.

شماره هفت صحنه تاجگذاری و تخت نشینی جهانگیر است که با ۷۵ صورت از شاهکارهای نقاشی جهان اسلام شمرده می‌شود تاریخ اجرا ۱۰۱۴ (۱۶۰۵).

شماره ۸، آصف‌خان سپهسالار و پدرزن شاه جهان ویرادر ملکه نورجهان است که در ربع اول قرن هفدهم اجرا شده.

شماره ۹: جهانگیر و شاه جهان در محضر سه عالم روحانی نشسته‌اند و آصف‌خان در کنارشان ایستاده است.

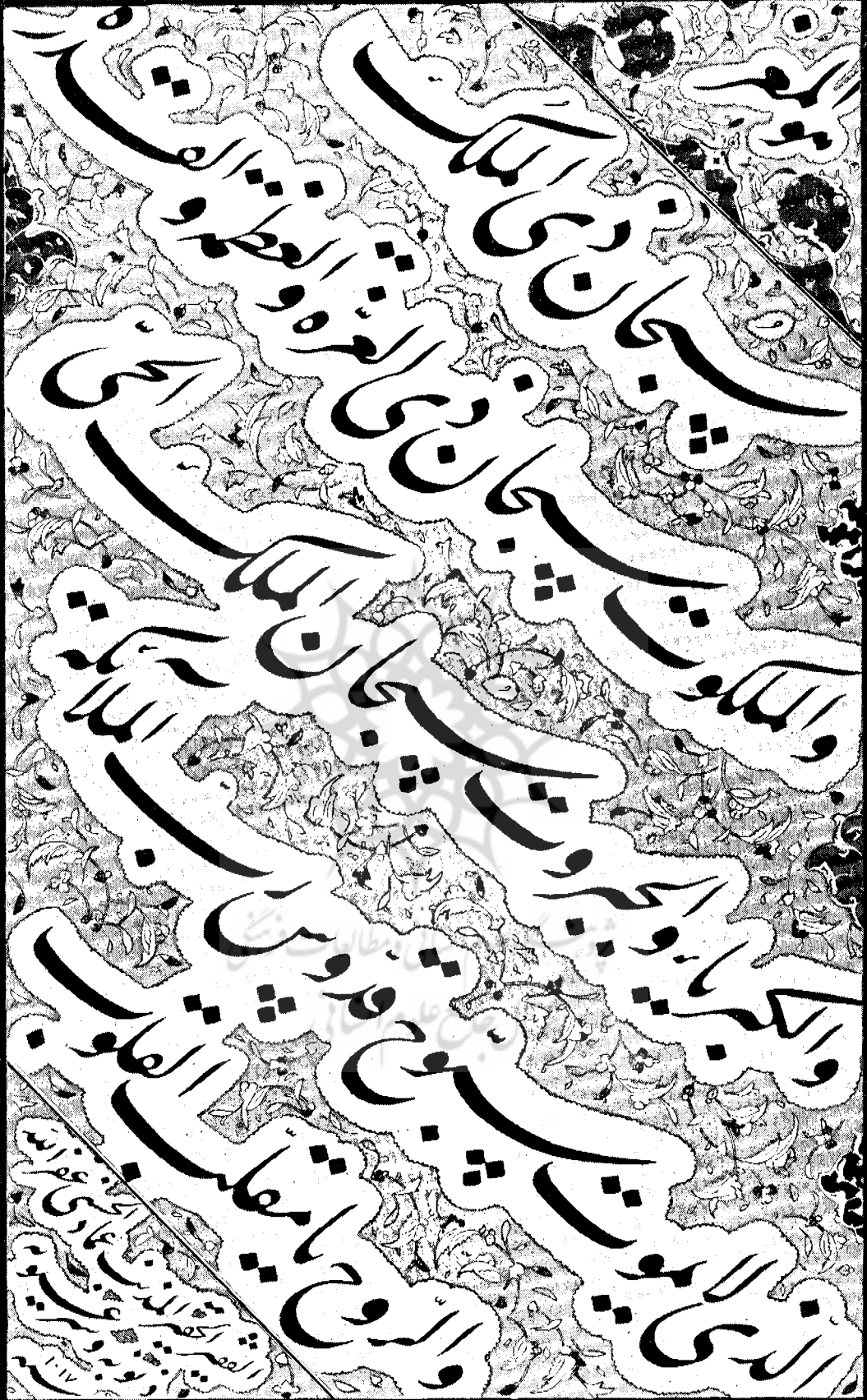
شماره ۱۰ و ۱۱ شاه جهان را نشان می‌دهد که در وسط اردوگاه خود ایستاده در یکی بطرف چپ و دیگری بطرف راست نگاه می‌کند.

شماره ۱۲: نمونه‌ای است از کار ابوالحسن بسبک اروپائی زنی زیبا نشسته است و برخی حیوانات در گردش جمع شده‌اند.

شماره ۱۳ نیز پرتراهی است اروپائی که یکی از پستانهایش را بیرون آورده است.

شماره ۱۴، تصویر يك سوار نخجیر گراست که همراه با سگ شکاری خود پیش می‌رود و خادمش تیروکمان و باز شکاری حمل می‌کند، سوارکار بدون شك يك ایرانی است.

۱۵- این نقاشی جالب‌را برای نخستین بار N.C. Mehta کشف کرد و طی شماره ۳۱ کتابش Studies in Indian Pating انتشار داد.



رضا بخود لقب جهانگیری می‌داد) ۱۶
 پرسى براون نیز دو تصویر یکی از طاوس
 و دیگری از يك قرقاول از وی معرفی
 کرده است ۱۷ يك تصویر از باز شکاری نیز
 منصور تهیه کرده است که امروز در موزه
 بستن حفظ می‌شود ۱۸ به زرافه وی که در
 موزه جنوب کنزینگتن لندن است اشاره
 کردیم که کپیهای از آن نیز در موزه بستن
 حفظ می‌شود. در مرقع شاه جهان متعلق
 به گورگیان جمعا ده نقاشی از وی هست که
 هشت‌تای آن نقش مرغان است یکی چهره
 حاجی حسین بخاری است و دیگری نقش
 دو غزال را در يك شکارگاه نشان می‌دهد.
 گذشته از این دو تصویر حیوانات (دو
 غزال و زرافه) در مجموعه متعلق به اردشیر
 نیز يك نقاشی که دو شیر را نشان می‌دهد
 هست از استاد منصور جز این سه نقاشی اثر
 دیگر دیده نشده است که حاوی نقش
 حیوانات باشد جز کارهای حاشیه که
 نمی‌توان آنرا کار مستقل دانست. ۱۹

— ۴۲ —

بشندها را باید از نامدارترین
 هنرمندان هندی الاصل دانست که در ایران
 نیز از معروفیت خاص برخوردار است.
 وی هندو و نام حقیقی‌اش ویشنوداس
 Vishnudas بود. در حقیقت بشندها نامی
 است که ایرانیان بوی داده بودند وی نیز
 نقاشی را از دربار اکبر و مکتب این پادشاه
 آغاز کرد یکی از آثار مهم بشندها که
 متعلق است به موزه جنوب کنزینگتن لندن
 منظره باغی را در آگرا نشان می‌دهد که
 بابر در گوشه آن لمبیده است، طرح و عمل



از مرقع متعلق به آکادمی علوم شوروی در لنینگراد،
 این مرقع در ایران تهیه شده و شامل مینیاتورهای
 ساخت ایران و هند می‌باشد از لحاظ خوشنویسی
 نیز حائز اهمیت بوده و حاوی چند اثر از عماد
 فروینی است از جمله اثر بالا. این مرقع با جلد
 سالم و گرانها دارای ۹۸ برگ است.

این کار از بشندها می‌باشد اما صورت را
 ناها کشیده است. ۲۰ اثرات نفوذ نقاشی
 ایرانی در این کار دلیل بر آن است که
 بشندها در عصر متقدم اکبر نیز هنرمندی
 پرکار بوده است. جهانگیر در خاطرات
 خود بارها از وی نام برده و می‌نویسد که
 وی در شبیه‌کشی و چهره‌نگاری بی‌نظیر
 است و سراسر انجام ویرا در سال ۱۰۲۲ (۱۶۱۳)
 برای تهیه پرتره‌ای از شاه‌عباس و درباریان
 وی بایران فرستاد. بشندها چند تصویر
 خوب از شاه عباس کشید و علاوه بر آن
 تصویر اشراف درباری را بهترین وجه
 تهیه کرد، نقشی که از شاه عباس کشید
 شاه‌کاری بی‌نظیر بود و جهانگیر در
 خاطرات خود می‌نویسد که آنرا بهر کدام
 از کسانی که برادرم شاه عباس را دیده
 بودند نشان دادم شباهت فوق‌العاده آنرا
 باصل تمذیق کردند. بشندها در ازای
 این خدمت خیلی انعام گرفت.

یکی از بهترین کارهای بشندها
 اکنون به موزه بستن تعلق دارد که در آن
 خان عالم صراحی از سنگ بشم به شاه‌عباس
 تقدیم می‌کند. يك اثر دیگر از بشندها
 در بهارات کالا پاریشاد (در بنارس)
 هست ۲۱ در انوار سهیلی مذکور در فوق نیز
 اثر دیگری از بشندها هست که در آن
 سلطان بغداد و دختر چینی نشان داده
 شده‌اند. ۲۲

مرقع جهانگیر موجود در برلین نیز
 حاوی دو نقاشی از این هنرمند است یکی
 چهره راجه سورج سینگ‌دائی جهانگیر
 و یکی پرتره بهادر خان از يك حکمران
 قندهار. ۲۳

در مرقع متعلق به موزه کنزینگتن
 لندن دو اثر از این نقاش دیده می‌شود
 یکی پرتره عمار سینگ‌ادی پور و پسرانش
 و دیگری چهره‌های رای بهاری و جاساجام
 (رجال عهد جهانگیر) که در ایوان
 نشسته‌اند. ۲۴ در مرقع‌های اردشیر اثری

۱۶ — نگاه کنید به کتاب مارتین شماره‌های

۲۱۹ و ۲۲۰.

۱۷ — نگاه کنید به کتاب براون شماره‌های

۲۳ و ۵۴.

۱۸ — نگاه کنید به کاتالگ مجموعه‌های

هندی در موزه بستن کومار سوامی جلد ششم
 شماره ۴۱، در موزه پرنس‌اف ویلز بمبئی نیز
 يك اثر از استاد منصور هست در اینجا باز بروی
 يك پایه چوبی استوانه‌ای سرخ نشسته است و در
 بالای سرش با خط شکسته نوشته شده شبیه جره
 عمل است. . . . یکی از این بازها نیز در موزه
 بریتانیا هست، بازها را شاه‌عباس برای جهانگیر
 می‌فرستاد. دوباز موزه بریتانیا و موزه بمبئی از
 لحاظ کلی با هم شبیه‌اند اما تفاوت میان آنها
 بسیار است و بنظر می‌رسد که دو مرغ کاملاً
 متفاوت اما از يك خانواده‌اند و بنابراین تصور
 می‌شود که دیگری از روی کار منصور کپی
 کرده باشد اگرچه هیچکدام دارای امضای صریح
 نیستند باز موزه بریتانیا در يك زمینه هندی
 طراحی شده، خود حیوان سفید است اما زمینه
 کاملاً سبز شده و در افق آسمان آبی مخلوط
 با ابرهای سفید دیده می‌شود در حالیکه باز
 موزه بمبئی در يك زمینه شیری کشیده شده
 و خودش چهار رنگ مختلف دارد فقط آنچه
 در هر دو مشترک است نشیمنگاه بازهاست که
 استوانه‌ای چوبی سرخ است.

منصور یکی از ۴۸ نقاش با برنامه نیز بود.

۱۹ — در مرقع گلشن تهران از این هنرمند

سه اثر هست : شماره ۷۶. تصویر يك مرغ است
 که امضای منصور را نیز دارد شماره ۸۰ يك
 شاخه نرگس است که امضای آن : رقم استاد
 منصور نادرالعصر می‌باشد و شماره ۸۱ تصویر
 است از يك مرغ و يك شاخه گل که امضای آن :
 رقم منصور نادرالزمان است (نادرالزمان لقب
 ابوالحسن بود بنابراین نویسنده اشتباه کرده‌است).

۲۰ — نگاه کنید به :

Lawrence Binyon: Court Painters of Grand Mogals.

(تصویر شماره ۴) که در دو صفحه کامل

این اثر را گراور کرده است.

۲۱ — شماره ۳۷ از :

N.C. Mehta: Studies in Indian Painting.

۲۲ — شماره ۲۸ در

J.V.S. Wilkinson: The Lights of Canopus.

۲۳ — شماره ۳۵

Indian Book Painting.

۲۴ — شماره ۱۹

Indian Drawings. Clark.



هست که توسط خود هنرمند از روی این دومی کپی شده بوده است و معلوم می‌دارد که ورقی از یک مرقع بوده است. از این لحاظ که دارای حاشیه‌ای پر گل می‌باشد، در مرقع گورگیان نیز پرتره‌ای از راجه سور جنگ کار بشنداس وجود دارد، در جمع آثار هنری مجموعه تاگور که در کلکته حفظ می‌شود پرتره‌ای سیاه‌قلم از یک افسر مغولی هست که روی دسته شمشیرش امضای بشنداس خوانده می‌شود. در دو آلبوم سابق اردشیر جمعا چهار کار از بشنداس وجود داشت که یکی از آنها پرتره جهانگیر است^{۲۵} کار بشنداس دارای خصوصیتی است که هنرشناس در صورت آشنائی با آن می‌تواند اصل را از بدل بسادگی مشخص سازد^{۲۶}.

— ۴۳ —

بسوان را شناختیم و اکنون نوبت فرزند وی منوهر است که در مکتب اکبری تحت تعلیم پدرش پرورش یافت و به استادی رسید وی نیز مانند بشنداس در ایران معروفیت دارد بخصوص که مانند ابوالحسن استعداد و ذوق قابل انعطاف داشت و در ساختن صحنه‌های گروهی استاد بود، یکی از کارهای جالب و دیدنی وی امروز در موزه کتابخانه رضا رامپور موجود



فرخ بیک هنرمند نامدار مکتب نقاشی هندوایرانی با باری چند سال در دربار عادلشاهیان دکن بسر برد وی سفیر هنری اکبر درین دربار بود که بیشتر روبسوی ایران داشت بخصوص که عادلشاهیان به صفویه ارادت خاص داشتند و از حمایت آن خاندان برخوردار بودند، این اثر که در دکن اجرا شده و تاریخ اجرای آن اواخر قرن دهم است نمایانگر نفوذ عمیق مینیاتورسازی ایرانی درین سرزمین شمرده می‌شود، درین اثر جز رنگ آسمان هیچ چیز دیگر هندی نیست، گوئی تصویر شاهزاده صفوی را در قزوین یا اصفهان یک هنرمند ایرانی کشیده است. این اثر به آکادمی علوم شوروی در لنینگراد تعلق دارد و با احتمال کار خود فرخ بیک است.

است^{۲۷} و صحنه دربار امپراتور جهانگیر را نشان می‌دهد. در مجموعه Wantage موزه بریتانیا ۵ اثر از این هنرمند وجود دارد دو پرتره از اکبر و جهانگیر دو پرتره از دربارهای آن عصر، تصویر دیگری از یک گوزن است و یک مرد که به اشتباه تصور شده جهانگیر است در حالیکه این مرد فقط مباشر حیوان است، در این اثر از امضای وی: منوهر بنده شاه جهانگیر، فقط قسمت دوم برجای مانده و تصور شده است که این شخص خود پادشاه است^{۲۸} این حیوان یعنی گوزن را بازم منوهر نقاشی کرده است یکی از آنها در موزه بریتانیاست و یکی هم در مجموعه سابق اردشیر وجود داشت. اثری دیگر از این نقاش هست که جهانگیر را در حال خوردن گیلاس و نوشیدن شراب نشان می‌دهد از این نقاشی جهانگیر در کتاب خاطرات خود یاد کرده است.

در آلبوم برلن سه پرتره کار این استاد هست یکی از رای باره و دوتا از دو رجال درباری^{۲۹} در مجموعه گورگیان دو اثر از این هنرمند هست یکی شبه جهانگیر است و دیگری تصویر دانیال برادرش و در موزه جنوب کترینگتن هم یک نقاشی هست که شاه جهان (شاهزاده خرم) را سوار بر اسب نشان می‌دهد. در مجموعه چتر بیٹی یک نقاشی سیاه قلم از مجنون و لیلی همراه با درختان و گلها دیده می‌شود که نظیر آن نیز در مجموعه گلستان تهران نیز هست. یکی از بهترین آثار این هنرمند نقشی از یک صحنه جنگ است. که متأسفانه فقط نصف آن برجای مانده و امروز متعلق به موزه پرس آف ویلز بمبئی است. در مرقع جهانگیر اردشیر چهار نقاشی از این هنرمند وجود دارد دو نقاشی گروهی از شاهزاده مراد و شاهزاده دانیال و اکبر که دارد به موسیقی تانسن گوش می‌دهد و دو پرتره از اکبر و شاهزاده

از بشنداس ذکر می‌شود یکی شماره ۲۳ از آلبوم جهانگیر که دربار جهانگیر را نشان می‌دهد و یکی شماره ۳۷ که پرتره وی است از جهانگیر که عقابی در دست دارد یا اردشیر یکی از آنها را در حیات خود فروخته است و یا اینکه این نقاشی از جمله آن مینیاتورهاست که امضا ندارد و خود اردشیر آنرا منسوب به بشنداس دانسته است. ۲۶ - در مرقع گلشن شش اثر از بشنداس هست، تصویر شماره ۶۳ نمایانگر سه شاهزاده تیموری است: بابر، میرانشاه و همایون که بایرام‌خان نیز در کنارشان ایستاده است. نگاه کنید به آثار ایران سال ۱۹۳۷ مقاله بانو گدار و سال ۱۹۳۶ تصویر ۱۳.

شماره ۶۸ پرتره شاه‌عباس: این تصویر یکی از چند شبیهی است که بشنداس در ایران از شاه‌عباس کشیده و بهند آورد و جهانگیر نیز از آن در توزوک یاد می‌کند از تصویرهای شاه‌عباس که بشنداس کشید گذشته از تصویر فوق یکی از مجموعه موزه بستان و یکی هم در مجموعه تاگور در کلکته است و یکی هم در موزه ارمیتاژ وجود دارد.

تصویر شماره ۹۸ مرد مسن با عمامه صفوی جهانگیر با خط خود زیر آن نوشته است: شبیه پدر برادرم شاه‌عباس خدا بنده + میرزا عمل بشنداس. بشنداس ده سال پس از فوت خدا بنده در ایران بوده و این تصویر را از روی تصاویر وی تهیه کرده است.

نگاه کنید به مقاله خانم گدار در آثار ایران (سال ۱۹۳۷). ضمناً گامبلی در شهرهای مغولی هند تحت شماره ۲۰ یکی از نقاشیهای بازنامه موزه ویکتوریا و آلبرت را گراور کرده است که تاریخ اجرای آن سال ۹۹۹ (۱۵۹۰) است. در مرقع انستیتوی مردم شوروی دو تصویر از شاه‌عباس هست که یکی از آنها را گراور کرده‌ایم.

۲۷ - نگاه کنید به کتاب پرس براون شماره ۳۱.

۲۸ - همه این نقاشی‌ها را Clarke در اثر خود Indian Drawing تحت شماره‌های ۶ و ۷ و ۸ و ۱۱ گراور کرده است و نیز تصویر شماره ۶۲ از مجموعه

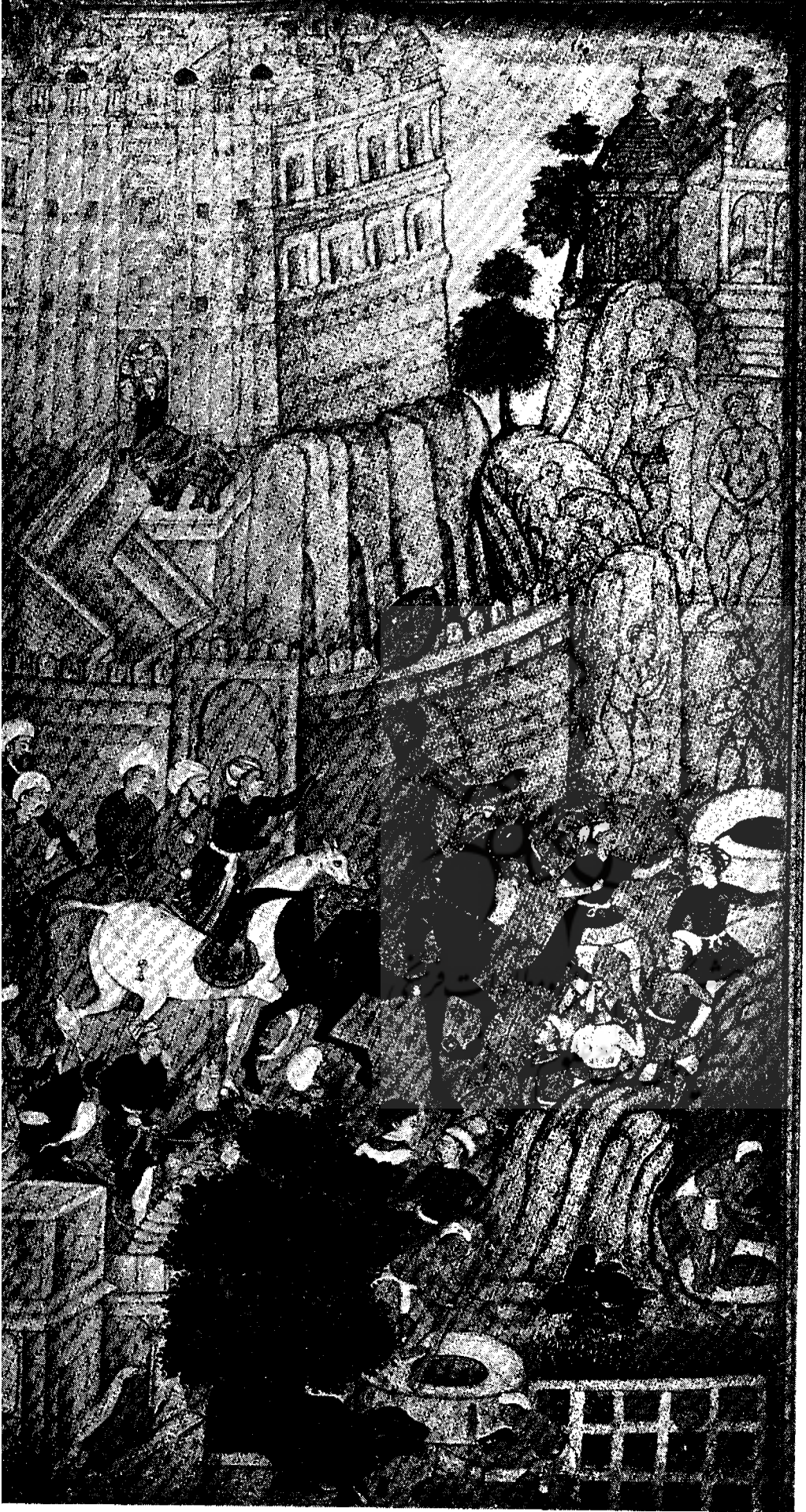
Indian Sculpture and Painting Havel.

که نقاشی گوزن و مهرش را (که اکنون در موزه بریتانیاست) گراور کرده.

۲۹ - شماره‌های ۳۶ و ۳۷
Kuhnelt & Goetz: Indian Book Painting.

در بار خندان پسر محمد و بود و نور و ولایت
 و در بار و پادشاهی باو شایسته و ولایت فرغانه
 از اقلیم خیم است و در کماز و معجزه عالم واقع شده است
 کاشغور و عربستان و مرق و جنوبی که کوستان سرحد
 و در سایه که اگر پیش ازین شمس ما بود و مثل
 المانع و المات و با یکی که در کتب ما درج باطر از مشهور است

نوزوک باری را بابر به ترکی نوشت،
 در عصر اکبر این کتاب به فارسی ترجمه
 و مصور و مذهب شد و با خطی نستعلیق
 برای کتابخانه سلطنتی اکبر تهیه شد،
 امروز پنج نسخه از آن در دست است
 که بهترینش نسخه لندن است، کلیه
 مینیاتورهای کتاب در شوروی بچاپ رسید،
 اما خود کتاب فقط یکبار در کلکته چاپ
 شده و امروز نایاب است، تصویر بالا
 صفحه اول کتاب را نشان می‌دهد.



ورقی از با برنامه لندن که بازدید بابر از قصر مهاراجه مانسینگ را نشان می‌دهد، در بالای تصویر طرف راست دیواره‌های قصر را با تصاویر بزرگش که اساطیر دین هندو را مجسم می‌سازد مشاهده می‌کنیم، این آخرین اثری است که ازین نقاشیها در هند بابتی برجای مانده زیرا هم آنها که اثرات بسیار در خلق مکتب هندوایرانی داشت، بامر پادشاهان مسلمان هند معدوم شد.

پرویز دومین فرزند جهانگیر . در آلبوم شاهجهان اردشیر تصویری عالی از دربار شاهجهان هست یکی هم يك نقاشی ناتمام است از استقبال جهانگیر از شاهجهان که متعلق است به مجموعه جانسن^{۳۵} و دکتر کومارا سوامی يك نقاشی نیمه تمام دیگر نیز بوی نسبت می‌دهد^{۳۶} از این استاد کارهای متعددی در مرقع گلشن تهران وجود دارد^{۳۷}، در برخی از آثار و بررسی‌ها باین نقاش منوچهر خطاب کرده‌اند که البته اشتباه است، وی يك هندو بوده است و منوهر نامی است که هندوان بسیار بر خود می‌گذارند^{۳۸}.

— ۴۴ —

همانند بسوان و آقا رضا هنرمند معروف دیگر هند بابری بوانداس Bhavandas نیز پسری داشت که پس از خودش درخشید و بزرگ‌گشت وی گواردهان Govardhan بود و در مکتب اکبری پرورش یافت و بمقامی ارجمنند چون منوهر رسید. وی نیز مانند ابوالحسن خانه‌زاد بود، یکی از بهترین آثار وی منظره دربار جهانگیر است که پرسی‌براون آنرا زینت بخش صفحه کتاب خود نقاشی هند در عصر مغولان کرده است، کتابخانه ملی برلین در جزو مرقع جهانگیر خود تصویری از رای بارا حکمران کج دارد که در حواشی آن نیز گواردهان نقاشی کرده است و یکی از آثار وی است که دارای امضاء و تاریخ می‌باشد ۱۰۱۸ (۱۶۰۹).

در مجموعه چستر بییتی^{۳۴} مرقع شاهجهان تصویری هست از امپراتوری سوار بر اسب که شخصی روی سرش چتر گرفته است و جهانگیر با خط خود آنرا معرفی کرده (شنیده‌ام که این شبیه حضرت امیر تیمور صاحبقران است. جهانگیر پادشاه بن اکبر پادشاه) بدون هیچ شك و تردید اثر را از روی اصل آن که در ایران تهیه شده بوده است کپی کرده‌اند یعنی این نقاشی هندی با استعداد و ذوقی

خداداد آنرا باین خوبی با حفظ تمام خصوصیات ایرانی آن نقاشی کرده‌است^{۳۵}. اثری دیگر نیز از گواردهان هست که تصویر شاهزاده پرویز را نشان می‌دهد^{۳۶}. و تصور می‌شود که متعلق بعصر شاه جهان باشد در مرقع جهانگیر مرحوم اردشیر^{۳۷} تصویر بانوئی هست بایک طوطی که کار این استاد است^{۳۸}.

۳۰ - پرسی براون شماره ۵۸ .

۳۱ - کومارا سوامی شماره ۳۳ .

۳۲ - در مرقع گلشن جمعا ۷ اثر از منوهر وجود دارد: شماره ۲۵ تصویر آصف‌خان برادر نورجهان پدر ممتازبانو یا شهبانوی شاهجهان بنام تاج است. این تصویر وی در ۴۰ سالگی است وی بسال ۱۰۵۰ (۱۶۴۰) در سن ۷۲ سالگی فوت کرد. این اثر دارای امضای منوهر است، تاریخ اجرا باید پیش از ۱۰۳۸ (۱۶۲۸) بوده باشد. نگاه کنید به آثار ایران سال ۱۹۳۶ .

شماره ۴۳ نقشی است از يك درویش که يك خواننده و يك ساز زن و يك شاعر در حضورش نشسته‌اند و تاریخ اجرای آن ۱۶۱۰ (۱۰۱۹) است با امضای هنرمند، شماره ۴۴ سیاه‌قلم از لیلی و مجنون است با امضای هنرمند، شماره ۵۳ پرتره مردی است ۳۵ ساله که باید یکی از درباریان جهانگیر یا شاهجهان باشد، با امضای هنرمند، تاریخ اجرا ۱۰۲۴ (۱۶۱۵)، شماره ۵۴ یکی از معروفترین آثار منوهر یعنی پرتره خان خانان پسر بایرام‌خان وزیر همايون و وکیل اکبر و مترجم خاطرات بابر و مشوق معروف ادب و هنر ایرانی در هند است، تصویر از سالهای پیری خان خانان می‌باشد و باید در سال ۱۰۲۴ (۱۶۱۵) اجرا شده باشد. شماره ۶۱ تصویر مردی جاق است که با احتمال قوی حکیم علی گیلانی طبیب مهاجر ایرانی دربار اکبر و جهانگیر است، در کنار آن نوشته شده شبیه حکیم علی رقم منوهر .

شماره ۷۱ تصویر مردی ریشوست.

۳۳ - گاون هامبلی در شهرهای مغولی هند خویش تصویری رنگی از کار معروف منوهر عبور کوکبه جهانگیر از برابر سکندره مقبره اکبر را روی جلد لفافی کتاب بچاپ رسانده است این اثر متعلق است به چستر بییتی، دوبلین، درین نقاشی آصف‌خان پشت سر جهانگیر که سوار بر اسب سفید است می‌راند و صحنه با رعایت دوری و نزدیکی چهره‌ها به هنرمند نقاشی شده

است و جمعا بیش از چهل چهره در آن طراحی شده است.

در موزه پرنس اف ویلز بمبئی اثری بسیار جالب ازین هنرمند است که کاسکتی نیز آنرا در ص ۱۱۱ کتاب خود رنگی بچاپ رسانده‌است، درینجا ورود جهانگیر را که خود لباس عارفان بتن کرده به اجمیر مشاهده می‌کنیم پنج نفر ازین عرفا حضور دارند و بالای سر پادشاه نوشته شده «شاه جهانگیر». تاریخ اجرا (۱۰۲۴) ۱۶۱۵ .

۳۴ - شماره‌های ۳۶ و ۳۸

Kuhnelt and Goetz: Indian Book Painting.

۳۵ - شماره ۵۵ از جلد سوم Library of Chester Beatty.

۳۶ - همین کتاب شماره ۵۹ .

۳۷ - کاتالگ سوت بای مورخ جولای ۱۹۷۳ شماره ۳۹ شاهزاده خانمی که به طوطی خوراک می‌دهد. دکنی آخر قرن ۱۷ .

۳۸ - در کاتالگ‌های سوت‌بای که حاوی نقاشیهای دوآلبوم جهانگیر و شاهجهان اردشیر است این آثار از گواردهان هست:

الف - در کاتالگ مورخ مارچ ۱۹۷۳ (شماره ۱) شماره ۷ جهانگیر با یکی از پسرانش با دستکاری در قرن ۱۸ هنگام درست کردن مرقع. شماره ۲۲ - شاهجهان و چهار پسرش خطاطی پشت آن کار عمادالحسنی است.

شماره ۲۸ - زاهدی (شبیه حضرت مسیح) در ملاقات با شاهزاده‌ای و افسری حدود سالهای ۹۱ - ۱۰۷۱ (۸۰ - ۱۶۶۰).

شماره ۳۱ - حکایتی از سعدی شاید برگگی از گلستان بوده است حدود سال‌های ۶۰ - ۱۰۵۰ (۵۰ - ۱۶۴۰).

ب - در کاتالگ مورخ جولای ۱۹۷۳ (شماره ۲) گذشته از شماره ۳۹ که بدان اشاره شد شماره ۱۸ نیز که تصویر ملایمی را با لباس سفید نشان می‌دهد با احتمال کار این استاد است اگرچه امضای آن گواندهان خوانده می‌شود.

در مرقع گلشن دوائر ازین هنرمند هست. شماره ۱۱ : سیاه‌قلم صحنه مکالمه يك شاهزاده جوان با يك پیرمرد است که بعدها در آن دست برده آنرا رنگی کرده‌اند، با امضای این هنرمند مربوط به سالهای ۱۰۳۰ تا ۱۰۱۰ (۱۶۲۰) - ۱۶۰۱ (نفوذ هنر اروپائی در آن محسوس است آثار ایران سال ۱۹۳۷ .

شماره ۴۲ تصویر شماره ۹۲ - يك طبیب با چند زن پائین صفحه طرف چپ نوشته شده : عمل گواردهان - تاریخ اجرا با احتمال سال بقیه حاشیه در صفحه بعد

نقش باز، در موزه پرنس آف ویلز، بمبئی، کار استاد منصور نقاش محبوب جهانگیر، شاه عباس برای جهانگیر بازشکار می‌فرستاد و بدستور جهانگیر استاد منصور شبیه آنها را می‌کشید، یکی از این شبیه‌ها نیز در موزه بریتانیا حفظ می‌شود، منصور یکی از چهل و هشت نقاش با برنامہ نیز بود.

۱۰۲۴ (۱۶۱۵) است.

در مجموعه موریس راجیلد اثری بدون امضا بسیار شبیه باین نقاشی دیده می‌شود نگاه کنید به آثار ایران سال ۱۹۳۶ - ۱۹۳۷ و شماره‌های ۶۹ و ۹۲.

در کتاب گاوان هامبلی نیز چند اثر این هنرمند گراور شده یکی شماره ۹ که در آن صحنه تقدیم کردن اکبرنامه با کبر توسط ابوالفضل مجسم شده ۱۰۱۴ - ۱۰۱۱ (۱۶۰۲/۵) و متعلق است به کتابخانه چستر بیٹی دوبلین.

شماره ۴۹ : دوشهزاده در ایوان عمارت ، تاریخ اجرا ۱۰۴۰ (۱۶۳۰) که متعلق است به

مجموعه خصوصی

Alice and Nasli Heeramanek N.Y

شماره ۵۰ : شهزاده پرویز برادر شاهزاده خرم (شاهجهان) را که با دختران و زنان جوان در ایوان نشسته‌اند نشان میدهد و متعلق است به کتابخانه چستر بیٹی دوبلین در دو طرف این نقاشی بطور عمودی با نستعلیق خوب نوشته شده است :

بنال بلبل اگر با منت سر یاری است

که ما دوعاشق زاریم و کارما زاریست

در آن زمین که نسیمی وزد زطره دوست

چه جای دم زدن نامهای تاتاریست

بیار باده که رنگین کنیم جامه زرق

که مست جام غروریم و نام هشیاریست

لطیفه ایست نهانی که عشق از آن خیزد

که نام او نعل لعل و خط زنگاریست

شماره ۵۲ : جهانگیر را نشان می‌دهد که

از نورجهان استقبال و او را بغل کرده است

و دو زن خدمتکار نیز حاضرند . تاریخ اجرا

۱۰۲۴ (۱۶۱۵) با احتمال کاری است از همان

مجموعه الیس وناسلی هیرامانک نیویورک.

شماره ۶۳ : شاهجهان سوار اسب سفید

همراه پسر بزرگ محبوبش داراشکوه که چتر

بروی سر پدر گرفته است موزه ویکتوریا و آلبرت

لندن .

